



## مطالعه تطبیقی تاثیر آزادی اقتصادی بر کسری بودجه در ایران

فرزاد هاشمی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۶

### چکیده

در سالهای اخیر افزایش کسری بودجه بدون درآمدهای نفتی در ایران به لحاظ استقلال مالی دولت و کاهش وابستگی از نفت به مرز نگران کننده ای رسیده است. در سال ۱۳۹۵ این عدد به ۱۰۳ هزار میلیارد ریال در قانون بودجه افزایش داشته است. به دلیل آنکه آزادی اقتصادی، محدوده بازار را رقم زده و حوزه های دخالت دولت در اقتصاد را مشخص می کند، از این جهت در این مقاله کوشش شده است فرضیه رابطه معکوس بین درجه آزادی اقتصادی و کسری بودجه در دو گروه از کشورها، مورد آزمون قرار گیرد، برای این منظور بین موسساتی که رتبه گذاری در شاخص آزادی اقتصادی کشورها را انجام می دهند، بنیاد میراث ۱ به دلیل پوشش مقاطع زمانی وسری زمانی بیشتر، دقت به لحاظ تعدد و کیفیت زیر شاخه ها و اعتبار سنجی روش و سازمان مولد اطلاعات، استفاده گردید و با استناد به آمار نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی برای کشورهای نآزاد، شامل ۱۰ کشوری که پایین ترین درجه آزادی اقتصادی را داشته اند و ۱۲ کشور که بالا ترین درجه ازاد اقتصادی را دارا بودند، در بازه زمانی چهارده سال منتهی به ۲۰۱۵ از منابع آماری بانک جهانی استخراج، محاسبه و بوسیله روش دادهای تلفیقی ۲ یا گسترده مورد آزمونهای اقتصاد سنجی قرار گرفت. نتیجه حاصله از ضرایب مدل، تایید رابطه معنی دار و معکوس بین درجه آزادی اقتصادی و کسری بودجه، برای کشورهای نآزاد و ازاد اقتصادی می باشد. همچنین میانگین نسبت کسری بودجه در کشورهای ازاد کمتر از کشورهای نآزاد اقتصادی می باشد.

**واژه های کلیدی:** آزادی اقتصادی، کسری بودجه انباشته، بی انضباطی مالی و پولی دولتها.

**طبقه بندی JEL:** O1, O2, O4

۱- استادیار دانشکده اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، ایران farzadehashemi@irau.ac.ir

## ۱- مقدمه

از آنجا که عدم رعایت انضباط پولی و مالی توسط دولت‌ها نقش مهمی در کسری بودجه دارد توسعه آزادی اقتصادی از طریق نظارت نهادهای مدنی بر ساختار و گردش بودجه و نیز انبساط بخش خصوصی میتواند جلوی انحراف بودجه را گرفته، کسری بودجه را بطور موثر کاهش دهد.

این در حالی است که در دنیای معاصر بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته که خود را ملزم به رعایت توازن بودجه نمی‌نمایند، پدیده تورم و بی‌کاری، فقر و معضلات اقتصادی را بیش از دیگران متحمل می‌شوند. به ویژه در مورد کشورهای نفت خیز مانند ایران این مشکل به صورت ویژه خود را نشان می‌دهد. به طوری که تعهدی جهت باز پرداخت استقراض و برداشتهای مکرر از ذخایر ارزی که سرمایه نسل‌های آتی است توسط دولت‌های این کشورها وجود ندارد. سهم درآمد نفت از بودجه کشور ایران ۲۵ درصد در سال ۱۳۹۵ بوده است در حالی که سهم مالیات و سایر درآمدها به ترتیب ۳۸ و ۳۷ درصد گزارش شده است. به عبارت دیگر به عنوان منبعی سهل الوصول و کم هزینه، معمولاً تلاشی در جهت جبران آنچه از نفت برداشت شده است صورت نمی‌گیرد. این کشورها بدلیل ناکارآمدی در مدیریت منابع، کسری‌های انباشته ایجاد می‌کنند و راهی جز انتشار پول بی‌علامت، تغییر در متدهای محاسبه متغیرهای اساسی و رشد و توسعه، پیش پای دولتمردان آنها قرار نمی‌دهد. همچنین کسری‌های مداوم بودجه باعث استقراض داخلی و خارجی و پیامدهای منفی آن می‌گردد و ممکن است دولت‌ها مجبور شوند بخشی از آزادی ملی خود را فدا کنند و در عوض، آنچه بدست می‌آورند بهای اندکی دارد. امروزه اکثریت کشورهای اعم از توسعه یافته و توسعه نیافته، کسری بودجه را تجربه می‌کنند. به عبارت دیگر کسری بودجه دلایل متعددی دارد که در نهایت به نوع و برداشت از آزادی اقتصادی ختم می‌شود بدون شک خصوصی سازی یکی از ارکان آزادی اقتصادی است که در کشور ایران بدرستی اجام نشده است به همین دلیل کسری بودجه بون نفت در دوره ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ به ترتیب در قانون بودجه ۷۴۰-۹۶۳-۸۸۱-۷۷۷-۱۰۳۳ هزار میلیارد ریال افزایش داشته که میانگین رشدی معادل ۱۰ درصد را نشان میدهد. به نظر می‌رسد رابطه‌ای دو طرفه و پر قدرت بین کسری بودجه و درجه آزادی اقتصادی وجود دارد. اگر آزادی اقتصادی دارای مولفه‌هایی چون: اندازه دولت، حدود قوانین بازرگانی و اقتصادی، امنیت حقوقی مالکیت داراییهای افراد، دسترسی به پول سالم، آزادی تجارت بین‌الملل و ساختار آیین‌نامه‌ای کسب و کار، بار مالی دولت، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی مالی و پولی و آزادی مبادله باشد، این فرضیه مطرح می‌شود که با محدود شدن آزادی اقتصادی کسری بودجه افزایش یابد و هر اندازه کشورها از آزادی اقتصادی دور شوند کسری بودجه شدت می‌گیرد. مقاله حاضر اثر درجه آزادی اقتصادی رابر کسری بودجه میان دو طیف از کشورها بررسی می‌کند.

## ۲- مبانی نظری

گروهی از اقتصاددانان، ارتباط حدود آزادی، انضباط مالی و کسری بودجه را مطرح نموده اند که از آن جمله می توان به آدام اسمیت، هایک، فریدمن و همچنین نظریات اقتصاددان های نهادگرا به رهبری نورث و در نهایت به نظریه آمارتیاسن در این خصوص اشاره نمود.

پرداختن به مسائل بحث انگیز در اقتصاد بدون تعریف آزادی عملاً میسر نیست. مفهوم آزادی طبیعی در اندیشه کلاسیکی همان «آزادی عمل و مبادله»<sup>۳</sup> است. این آزادی جزو حقوق اولیه بشر است و «هر مانعی که سبب اختلال در آن شود نظام طبیعی آزادی را خدشه دار نموده و آن را منحرف می نماید». آدام اسمیت «پیشرفت و یا عدم پیشرفت کشورها را بدلیل حدود آزادی ذکر می کند که در قوانین طبیعی<sup>۴</sup> متبلور می گردد». از این جهت دخالت های دولت در امور اقتصادی تنها سبب دور شدن از وضعیت طبیعی و کارایی می گردد. آزادی اقتصادی خود را در بازار نشان می دهد اما در بسیاری از موارد ایدئولوژی حاکمیت، حدود رقابت یا انحصار را رقم میزند. از دید آدام اسمیت انسان آزادی های خودش را مدیریت می کند. چرخش آزاد نیروی کار و سیال بودن آن سبب تکامل تولید می گردد. همچنین وی آزادی را محرک قدرتمندی برای تغییر و ابتکار تولید می داند و انحصار را سبب اضمحلال مدیریت کارآمد ذکر می کند. نظام قوانین طبیعی شالوده مباحثی است که اسمیت دائماً به آن اشاره می کند. این نظام از دید وی نظامی کارآمد و خالی از اشکال است. این جمله مشهور که دولت تاجر خوبی نیست از آموزه های اسمیت است و در اقتصاد آزاد قوانین محدود کننده مالکیت در اقل خود است.<sup>۵</sup>

در چنین شرايطی آزادی اقتصادی سبب افزایش بازدهی های عوامل تولید طبق استعداد های جامعه و استفاده مؤثر از منابع تولید می شود و جلوی هرج و مرج در ساختار مالی کشور را می گیرد.

مفهوم آزادی در مکتب کلاسیک توسط جان استوارت میل<sup>۵</sup> روشنتر بیان شده است: «آزادی فردی برای پی گیری منافع خود تا جایی که دیگران را از چنین حقی محروم نسازد، معنی دارد. این مفهوم بسیار نزدیک به همان اقتصاد لسفیری است. در همین راستا است که عدم دخالت دولت در امور اقتصاد مطرح می گردد. از دیدگاه میل «فرد تا جایی آزاد است که به آزادی دیگری زیان نرساند». «فرد ریک باستیا»<sup>۶</sup> بیشترین اثر آزادی را در حوزه اقتصاد می داند و نیز اثر گذاری عمده در این قسمت را مربوط به تجارت بین الملل ذکر می کند. از دید وی فرض اصلی در اقتصاد وجود آزادی است. دفاع وی از آزادی به اندازه های است که «فقدان آزادی را معادل با فقدان رفاه و عدالت دانسته» و «هدف از قانون را اجرای عدالت می داند». باستیا آزادی در حوزه اقتصاد را به مثابه نظام مندی در انضباط مالی میدانند.

عقاید هیک و ۷ فریدمن ۸ در خصوص آزادی اقتصادی مرتبط با انضباط مالی، بسیار نزدیک به هم عمل می‌باشد.

هایک آزادی را رهایی از اجبار می‌داند. بر همین اساس آزادی سبب توزیع مجدد ثروت و درآمد می‌گردد. "آزادی واقعی عدالت را برقرار می‌سازد. و مسیر حرکت آزادی به سمت عدالت خواهد بود. اما در نبود عدالت، آزادی در هاله‌ای از ابهام است". محور اصلی هرگونه تلاش برای ایجاد یک جهان آزاد و توسعه یافته ارتقای آزادی فردی است. مالکیت خصوصی بزرگترین تضمین آزادی است و رقابت کامل منتج از نظام آزاد قیمت‌ها است.

در این میان تأثیر نهادها در رسیدن به نوع بازار اثرگذار است. آزادی اقتصادی و سیاسی در هم تنبیده شده است. بازار رقابت کامل نتیجه آزادی اقتصادی است. به طور خلاصه هیک آزادی اقتصادی را در حدود دخالت دولت و نحوه شکل‌گیری بازار رقابتی، چگونگی تعریف آزادی اقتصادی، کنترل مخاطرات اقتصادی، تجارت آزاد بین‌المللی، توزیع درآمد و آزادی سیاسی و تحقق توسعه پایدار می‌داند. روابط پولی رقابتی، افزایش قدرت پول ملی، کاهش تورم، بانکداری خصوصی آزاد از دیگر مولفه‌های این اقتصاد است. هیک تمرکز قدرت سیاسی و انحصار را زمینه ساز آشفتگی و بی‌انضباطی مالی ذکر می‌نماید. این در حالی است که حرکت به سمت اقتصاد آزاد توسط فریدمن نیز توصیه شده است. وی آزادی اقتصادی را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داده است. یکی از این زوایا برابری فرصت در نتیجه آزادی است. وی می‌گوید «برابری فرصت‌ها و برابری بشر در مقابل قانون آرمان بسیار پسندیده‌ای است و خود به شکوفایی استعدادهای انسانی می‌انجامد و هیچ تضادی هم با آزادی سیاسی ندارد. ولی همین که برابری فرصت‌ها و برابری در مقابل قانون را رها کنیم و بدنبال برابر کردن دستاوردها می‌رویم، در روندی غیرطبیعی گام می‌گذاریم و در این روند نه تنها برابری دستاورد حاصل نمی‌شود بلکه برابری فرصت‌ها و برابری در مقابل قانون و نیز آزادی مردم هم از دست می‌رود» ایجاد امتیازی که دولت و عوامل دولت با اعمال سلیقه شخصی (که گاه برخلاف قانون) به وابستگان خود می‌دهند مهم‌ترین دلیل عدم توزیع برابر امکانات است، وی می‌گوید اگر برای اشخاص مشکل است تعیین کنند چه کسی بر چه کسی هزینه تحمیل می‌کند این کار برای دولت هم مشکل است و لذا دولتی که سعی دارد شرایط را اصلاح کند در نهایت ممکن است کار را بدتر کند تا بهتر، یعنی «به اشخاص ثالث بی‌گناه خساراتی تحمیل کند و یا به تماشاچیان خوش شانس منافی عاید گرداند». وی در عین حال آزادی اقتصادی را زمینه‌ساز آزادی‌های سیاسی می‌داند و این دو آزادی را به هم وابسته می‌داند و بازار رقابتی را هدف آزادی اقتصادی ذکر می‌کند. او دولت را منشاء رانت ۹ می‌داند بطوری که حتی نظارت دولت هم نمی‌تواند در نهایت مانع رانت گردد. چرا که همین نظارت‌های پیاپی عملاً مسیر

آزادی را منحرف، اندازه دولت را بزرگ و آن را از کارآمدی خارج می‌کند. از سوی دیگر جامعه‌ای که آزادی را به برابری مقدم می‌دارد، دومی را به عنوان ره‌آورد جنبی بدست می‌آورد یعنی به هردو هدف می‌رسد پس آزادی به عنوان شرط لازم و کافی در کارایی اقتصادی است.

در دهه ۱۹۹۰ گروهی از اقتصاد دانان چون نورث، ۱۰ میلگرام، ۱۱ واین گست و ۱۲ گریف ۱۳ خلاء بازار را در عدم کارایی نهادها ذکر کردند، گریف نشان داد در «اعمال غیررسمی، قراردادهای بازرگانی قراردادهایی که متکی بر سازوکارهای حیثیت و اعتبار دو جانبه‌اند معمولاً پرهزینه‌تر از سازوکارهای چند جانبه می‌باشد که در آن فرد متقلب بوسیله کل جامعه‌ای که طرف مقابل به آن تعلق دارد مجازات می‌شود» بسیاری از کشورهای رو به توسعه سابقه‌ای طولانی در خصوص نهادهای بازرگانی بومی مربوط به اعتماد و تعهد مبتنی بر سازوکارهای اعتبار چند جانبه و قوانین غیررسمی اداره و اعمال دارند. اوچی ۱۴ (۱۹۸۰) اشاره می‌کند در جوامع سنتی، سازمان‌های مبتنی بر طایفه نسبت به روابط بازاری یا سازمان‌های دیوان‌سالار مزیت نسبی دارند ولی در جریان دوره گذار اقتصادی حقوق مالکیت بدون عملکرد بهینه نهادها عملاً پایدار نیست چرا که نهادها می‌توانند لجام گسیختگی آزادی را کنترل کنند و آن را در راستای هدف تصحیح نمایند. به عبارت دیگر نهادها حقوق مالکیت را قوت می‌بخشند.

نورث می‌گوید: «در جوامع غربی به مرور زمان ساختارهای نهادهای پیچیده‌ای طراحی شده‌اند که هدف از این کار مقید کردن مشارکت کنندگان، کاهش بی‌ثباتی، تعامل اجتماعی و در مجموع جلوگیری از افزایش و تشدید هزینه‌های معامله و فراهم کردن امکان تحقق افزایش بهره‌وری ناشی از یک فن‌آوری گسترده‌تر و بهتر بود. این نهادها عبارتند از حقوق مالکیت که به خوبی تعریف و اعمال شده‌اند قراردادهای ضمانت نامه‌های رسمی، علائم تجاری، مسئولیت محدود، قوانین ورشکستگی سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ، «اما در کشورهای در حال توسعه این نهادها وجود نداشته یا فاقد کارآمدی هستند».

آن گونه که نورث تاکید می‌کند نهادها مجموعه‌ای از قوانین، روش‌های اطاعت و هنجارهای رفتارهای معنوی و اخلاقی تدوین شده هستند که در راستای بیشینه‌سازی ثروت یا مطلوبیت آمران به محدودسازی رفتار افراد می‌پردازند و لذا قوانین اساسی مجموعه اصل حقوق مالکیت را طرح ریزی می‌نمایند. نتیجه این است که نهادها بدلیل آن که متأثر از فرهنگ جامعه هستند اگر جنبه‌های قانونی هم به آن اضافه شود، به طور قابل ملاحظه‌ای از بی‌انضباطی پولی و مالی و کسری‌های بودجه انباشته که معمولاً ریشه‌های اقتصاد سیاسی دارد جلوگیری می‌نماید.

آمارتیا سن ۱۵ آزادی را از دو منظر هدف و ابزار توسعه نگاه می‌کند و لذا به نقش بازار به عنوان عنوان بخشی از فرآیند توسعه تاکید می‌کند. اگر آزادی سیاسی نتیجه‌اش در بیان آزاد، آزادی

اجتماعی و نوع زندگی خود را نشان دهد بدون شک آزادی اقتصادی در بازار نشان داده می شود لذا بازار مأمّن آزادی است. آمارتیاسن بر پنج شرط آزادی تاکید دارد: ۱- آزادی سیاسی ۲- امکانات اقتصادی ۳- فرصت‌های اجتماعی ۴- وضوح و شفافیت تعهدات ۵- امنیت حمایتی و اجتماعی. از نگاه آمارتیاسن آزادی مفهومی عام دارد که نتایج آن سبب توسعه یافتگی می‌گردد. یکی از شاخص‌های مورد تاکید وی فرصت‌های اجتماعی است. چرا که فرصت‌های برابر اجتماعی نیاز به نظارت و الزامات اخلاقی را کاهش می‌دهد. آمارتیاسن می‌گوید فقر نتیجه فقدان آزادی است. آزادی سیاسی و حقوق مدنی از اصول اساسی در آزادی اقتصادی هستند. نبود آزادی، اقتصاد را از کارایی خارج می‌کند و سبب هرج و مرج در سیستم‌های مربوط به بودجه‌بندی و بودجه‌ریزی کشورها می‌گردد.

نکته قابل ملاحظه در مباحث سن توجه با اهمیت ذاتی آزادی‌هاست و زمانی تامین می‌گردد که مبتنی بر باورهای فرهنگی و اخلاقیات حاکم در جامعه باشد نظام قیمت‌ها در چنین شرایطی کارآمد عمل می‌کند و لذا کارایی بازار منوط به ایجاد فرصت‌های برابر به طور عادلانه است.

### ۳- پیشینه تحقیق

همانطور که ذکر گردید پژوهشهایی که مشخصاً رابطه آزادی اقتصادی و کسری بودجه را بررسی کرده باشد اندک است اما پژوهشهای نزدیک به آن انجام شده است. یکی از موضوعات نزدیک به سر خط فوق ارتباط میان آزادی سیاسی و کسری بودجه است ادبیات آزادی سیاسی به طور قابل توجهی با کسری بودجه عجین شده است کارهای تجربی و تحقیقی عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم و به طور خاص از ۱۹۵۰ به بعد انجام می شود لیپست<sup>۱۶</sup> (۱۹۵۹) ارتباط بین آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی و رشد را مثبت ارزیابی می‌نماید.

باگواتی<sup>۱۷</sup> (۱۹۷۰) در مطالعه مشابه با استفاده از متغیرهای مفهومی میراث استعمار، آن را به عنوان یک عامل اثرگذار در آزادی سیاسی و اقتصادی مطرح می‌کند. وی بین آزادی سیاسی و رشد اقتصادی به همبستگی مثبت و معنی‌دار می‌رسد.

رمر (۱۹۹۶) متوسط دوام دموکراسی سیاسی در آمریکای لاتین را ۱۱/۹ سال و در مقایسه با متوسط پایداری حکومت‌های مستبد که ۶/۸ سال بود، بیشتر می‌داند. از دید وی کسری بودجه در کشورهای دموکراتیک کمتر بوده است.<sup>۱۸</sup>

دیوید رومر نشان می‌دهد که کسری بودجه معمولاً یک پدیده استاتیک نیست و این موضوع عمدتاً مربوط به کشورهایی است که نهادهای نظارتی قوی بر ساختار بودجه ندارند. وی بدهی بدون پشتوانه و عدم تضمین پرداخت را سبب انباشته شدن بدهی‌ها به مرور زمان می‌داند.<sup>۱۹</sup>

سونسون و پرسون نشان می‌دهند که سیاستمداران جدید چون وارث بدهی‌های گذشته‌اند لذا برای آیندگان بدهی‌های جدیدی می‌گذارند و خود را ملزم به سیاست توازن بودجه نمی‌دانند اگرچه از کسری بودجه اظهار تاسف می‌کنند.<sup>۲۰</sup> می‌توان مفهوم کسری بودجه انباشته را از عملکرد آنها استنباط نمود. رومر آن را بدهی استراتژیک تجمعی می‌خواند.<sup>۲۱</sup>

تابلینی و السینا<sup>۲۲</sup> به عدم توافق درخصوص ترکیب مصارف دولت توجه می‌کنند. از دید آنها هر سیاستمداری معتقد است نوع مصرف دیگران نامناسب است که همین ایده سبب بدهی‌های تجمعی می‌شود. آنها عدم توافق در مورد ترکیب مصارف دولت را ریشه کسری بودجه و انباشت بدهی‌ها می‌دانند. سانچر و روبینی(۱۹۸۹)۲۳ و ماسیاندارو و گریل و تابلینی(۱۹۹۱)۲۴ رابطه بین متغیرهای سیاسی و کسری‌های بودجه را مورد تحلیل قرار داده‌اند و دریافتند با تداوم کسری بودجه، نرخ مالیات همواره کمتر از مقداری می‌باشد که انتظار می‌رود محدودیت بودجه را تامین نماید.

بارو (۱۹۸۹)۲۵ نشان می‌دهد چون کسری بودجه تابعی از مالیات‌ها و هزینه‌های دولت است اگر کاهش در منابع تامین کسری بودجه از طریق کاهش مالیات اتفاق افتد درنهایت به وصول مالیاتهای بیشتری در آینده منجر می‌گردد که به دلیل قید بودجه دولت است.

کفروناک و السن<sup>۲۶</sup> (۱۹۹۶) و دی‌هان و استروم (۱۹۹۴) کرچاسنر (۲۰۰۱)۲۷ استحکام قوت این یافته‌ها را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پیوندهای شدید بین متغیرهای سیاسی و کسری بودجه را نشان می‌دهد. همچنین رشد بدهی‌ها رابطه منفی قوی با جریان بودجه کشور دارد و کشورهای با حکومت‌های مستبد کسری‌های بودجه انباشته را بیشتر از کشورهای دموکراتیک تجربه می‌کنند.

السینا و پروتی (۱۹۹۸)۲۸ اثرگذاری سیاست‌های مالی را در بودجه مؤسسات اندازه‌گیری کردند. نتایج تاکید می‌کند که حضور نهادهای مدنی مؤثر در جامعه به طور چشمگیری ساختار بودجه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. و نگارش بودجه محتاطانه واقعی و توأم با ساختار نظارتی، کسری‌های کمتری را متوجه جامعه می‌کند. مطالعه ۱۹ کشور OECD طی (۱۹۹۴-۱۹۶۵) بیانگر رابطه‌ای معنی‌دار بین ساختار بودجه و حضور پررنگ نهادهای مدنی و غیردولتی مستقل است. یافته‌های تحقیق فوق، نشان می‌دهد، متوسط کسری‌های بودجه هنگامی بالاتر می‌رود که دولت‌ها دوام کمتری داشته باشد گرچه ممکن است این ارتباط رابطه علی و معلولی نباشد اما بر هم اثرگذار است.

نوربرت میشل<sup>۲۹</sup> (۲۰۰۴) نشان داده است همانطور که درجه آزادی سیاسی بر کسری بودجه اثرگذار است کسری بودجه هم می‌تواند تهدیدی برای آزادی اقتصادی باشد. پوشش دادن هزینه‌ها

که منجر به افزایش بدهی‌های شده است برای سیاستگذاران راهی به جز فشار بر مؤدی جهت پرداخت مالیات باقی نمی‌گذارد. نتیجه این که اثر کسری بودجه بر درجه آزادی اقتصادی هم امکان پذیر است.

رافایل مرینو کورتز (۲۰۰۵)<sup>۳۰</sup> مطالعه خود را در مورد کارگران نیویورک انجام داده است. وی نتیجه می‌گیرد سیاست‌های دموکراتیک دولت، سبب افزایش اشتغال، تولید، مالیات و در نهایت بهره‌وری عوامل تولید را بالا برده و به نحو چشمگیری جلوی بی‌انضباتی مالی ایالتی را گرفته است.

الینور اوستروم (۲۰۰۳)<sup>۳۱</sup> به تأثیر غیرمستقیم دموکراسی مشارکتی در کاهش کسر بودجه پرداخته است. از جمله شاخص‌های دموکراسی مشارکتی نهادهای خود مدیریتی است که اساساً تابع اداره شاغلین یک واحد تولیدی و اقتصادی است. دغدغه این نهادها ساماندهی بهینه امور مربوط به یک واحد اقتصادی است تا منافع شاغلین خود را تأمین نماید. از این دیدگاه مستحکم‌ترین سنگر دفاع از دموکراسی مشارکتی، وجود همین نهادها است. طبیعی است که اجتناب از نخبه سالاری و معمول داشتن گسترده‌ترین مکانیسم‌های دموکراتیک جهت ایجاد بهترین شرایط یک دخالت مستقیم و بی‌واسطه آحاد نیروی کار هدایت و مدیریت درونی نهادهای خود مدیریتی محل کار، شرط تعهد و دفاع از هستی نظام دموکراسی مشارکتی است. در همین راستا اتحادیه‌ها و سندیکاها شکل مناسبی برای تأمین حدی از مشارکت شاغلین واحدهای اقتصادی و سازماندهی مدیریتی این واحدها می‌باشد. توسعه قابلیت‌های عمومی از این دیدگاه به شکل‌گیری و نقش‌آفرینی نهادهای خود مدیریتی کمک می‌کند.

جان فویز<sup>۳۲</sup> (۲۰۰۳) از جمله اقتصاددانانی است که به بررسی متغیرهای کلان اقتصادی در آفریقای جنوبی پس از تغییرات و قبل از آن پرداخته است و به این نتیجه می‌رسد که کسری‌های مداوم بودجه تا قبل از تغییرات سیاسی اجتناب‌ناپذیر بود، لیکن پس از فروپاشی آپارتاید با وجود آن که اصلاحات زیادی انجام شد لیکن، کسری‌های بودجه به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت که مربوط به دو اثر افزایش منطقی مالیات و کاهش جریان هزینه‌های بی‌مورد به خواست دولت جدید بود.

دانیل اسشوگورنسکی (۲۰۰۴)<sup>۳۳</sup> نشان داده است. اصول حقوقی دموکراتیک، شفافیت زیاد دولت‌ها و شهروندان فعال از معیارهای بودجه مشارکتی است. افزایش اعتماد سبب تولید بودجه‌های مشارکتی شده است. اعتماد متقابل بین دولت و شهروندان از طریق نهادهایی که مستقل عمل کنند، در نهایت تعادل بودجه را ایجاد می‌کند.



شی و سون‌سون (۲۰۰۲)<sup>۳۴</sup> به این نتیجه می‌رسند که عملکرد سیاسیون در جریان انتخابات منجر به افزایش انباشته کسری بودجه در دوره‌های آتی می‌گردد. زمان انتخابات معمولاً زمانی است که کسری‌های بودجه به علت اتمام دوره ریاست جمهوری و در حداکثر خود است و دقیقاً در همین زمان انتخابات جدید پیش روی است. لذا چرخه بودجه سیاسی در کشورها به طور فزاینده‌ای کسری‌های بودجه را افزایش می‌دهد. این محققین نشان می‌دهند کسری بودجه در این زمان بشدت زیاد می‌گردد. در این تحقیق از تکنیک پنیل پویا<sup>۳۵</sup> استفاده شده است.

از سوی دیگر کولین کمپبل (۲۰۰۲)<sup>۳۶</sup> نیز معتقد است در کانادا اتخاذ یک سیاست مبتنی بر جریان بازار به طوری که با تحولات روز اقتصادی و سیاسی همراه باشد، سبب اصلاحات مالیاتی و در نهایت کسری بودجه دموکراتیک می‌شود. تئوری کمپبل نشأت گرفته از دید تئوری سیستم در مطالعات سیاسی است. به نظر وی در صورت کسری بودجه دموکراتیک متغیرهای اقتصادی لطمه کمتری را نسبت به حالتی که بی‌انضباطی مالی در کشورها وجود دارد می‌بینند و خطرات بلند مدت آن کمتر است.

ایوان تالپوس و همکاران (۲۰۰۸)<sup>۳۷</sup> به بررسی عوامل اثرگذار بر کسری‌های بودجه پرداخته‌اند. از دیدگاه تالپوس، سیاست‌های اقتصادی و بویژه مالی در فضای تهی طراحی و اجرا نشده‌اند. ویژگی‌های ساختاری سیستم اقتصادی، ساختارهای نهادی جوامع، الگوی فرهنگی و روابط مربوط به قدرت بین گروه‌های اجتماعی گوناگون حدود سیاست‌ها را تعیین می‌کند. لذا کسری بودجه رابطه تنگاتنگی با نوع آزادی اقتصادی دارد. برای این منظور شاخص آزادی برای سال‌های (۲۰۰۳-۲۰۰۶) برای منتخبی از کشورها، از روش داده‌های تلفیقی انجام شد. وی سه مدل را پردازش می‌کند. اول مدل رشد کسری بودجه است که تابعی از شاخص‌های فاصله قدرت از مردم، فردگرایی، مردسالاری و پرهیز از عدم اطمینان است. ضرایب متغیرهای مستقل همگی معنی‌دار و رابطه مثبت و مستقیم با رشد کسری بودجه دارد. مدل دوم نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص ملی را تابعی از رتبه آزادی اقتصادی محاسبه شده توسط موسسه فریزر لحاظ می‌کند این مدل قدرت توضیح دهنده کمی دارد اما ضریب متغیر رتبه آزادی اقتصادی معنی‌دار است. در مدل سوم نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص ملی، به عنوان تابعی از شاخص حقوق سیاسی (پروسه انتخاباتی، ائتلاف سیاسی و مشارکت سیاسی و عملکرد دولت) با شاخص آزادی‌های مدنی (آزادی بیان و عقیده، حقوق سازمانی و شرکتی، قانون، اختیار شخصی و حقوق فردی، آزادی در تبادل با خارجی‌ها و تنظیم قواعد اعتبار نیروی کار و شغل) رگرسیون خطی زده شده است. این مدل نیز قابل تایید بوده اما قدرت توضیح دهنده کمی ندارد.

تالپوس و همکاران<sup>۳۸</sup> (۲۰۰۹) در بررسی مشابه برای ۵۶ کشور رتبه آزادی اقتصادی را به عنوان متغیر مستقل و نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص ملی را متغیر وابسته قرار داده اند. این مطالعه برای سالهای (۲۰۰۳-۲۰۰۶) به صورت داده های تلفیقی برآزش شده است. نتیجه مدل این بود که با افزایش رتبه آزادی اقتصادی نسبت بودجه بهبود می یابد اما ارتباط بین متغیرها معنی دار ولی ضعیف برآورد گردیده است. که مهمترین دلایل آن تعداد سنوات کم و عدم دسته بندی کشورها به لحاظ ساختار بودجه و درجه همگنی آزادی اقتصادی است.

این در حالی است که بانک جهانی کسری بودجه در ایران را در دوره ۲۰۱۵ الی ۲۰۱۷ حدود ۴ درصد از تولید ناخالص داخلی پیش بینی کرده است. طبق همین گزارش جهت کاهش تدریجی آن دولت میبایست هر چه سریعتر اقدامهایی در جهت انبساط آزادی اقتصادی از جمله خصوصی سازی و محدودیت دولت در ورود به فعالیتهای اقتصادی انجام دهد تا زمینه ارتقا درآمدها و کاهش کسری بودجه دولت فراهم گردد.

#### ۴- موانع تحقیق

از آن جا که برای تحلیل بین کسری بودجه و آزادی اقتصادی، آمارهای کسری بودجه و درجه آزادی اقتصادی برای کشورها، با سیستم اقتصادی باز و بسته مورد نیاز بود و نیز اطلاعات مربوط به کسری بودجه بطور مجزا و خالص موجود نبود، لذا آمارهای درآمد مالیاتی<sup>۳۹</sup> و هزینه های دولت<sup>۴۰</sup> با توجه به درجه آزادی آنها از منابع بانک جهانی جمع آوری گردید. برای این منظور نخست دو منبع آماری EFW<sup>۴۱</sup> ( محاسبه شده توسط مؤسسه فریزر) و EFI<sup>۴۲</sup> ( محاسبه شده توسط بنیاد هریتیج و وال استریت ژورنال ) پیشنهاد گردید. اما همانطور که ذکر گردید آمارهای مربوط به EFW از ۵ مؤلفه ی اصلی تشکیل شده است و از لحاظ سری زمانی، سال های کمتری را پوشش می دهد اما آمارهای مربوط به EFI با لحاظ نمودن ۱۰ مؤلفه اصلی و تعداد زیادی مؤلفه ی فرعی و سطح پوشش بیشتر سنوات زمانی (تعداد سالها) و نیز تعداد کشورها، از دقت بیشتری برخوردار است و برای تحقیقات اقتصاد سنجی مناسبتر می باشد همچنین مقطع زمانی ( تعداد کشورها) در EFI بیشتر از EFW است ضمن این که در پژوهش مشخص گردید که روش محاسبه بنیاد هریتیج اقتصادی تر از مؤسسه فریزر است و مؤسسه فریزر بیشتر جنبه های تجاری را مد نظر قرار داده است.

لذا با توجه به مزیت های EFI از این شاخص استفاده شد که برای این منظور آمارهای مربوط به نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی از منابع بانک جهانی اخذ گردید. طبق استاندارد EFI کشورهای با درجه آزادی اقتصادی (۸۰-۱۰۰) کاملاً آزاد و (۷۰-۸۰) تقریباً آزاد هستند که در

این مرحله کشورهای با میانگین درجه آزادی اقتصادی پایین، یعنی (۶۰) و کمتر، که کشورهای تقریباً غیرآزاد وزیر (۵۰) که کشورهای کاملاً غیر آزاد و پایین جدول را شامل می‌شد، انتخاب شدند.

به این ترتیب از کشورهای گروه دو (غیر آزاد)، ۱۰ کشور اوکراین، بلاروس، بوسنی هرزگوین، قزاقستان، ایران، جمهوری کنگو، بلغارستان، تونس، اتیوپی و مغولستان انتخاب شدند همچنین ۱۲ کشور (کاملاً آزاد) چایل، بحرین، دانمارک، استرالیا، نترلند، استر، نیوزلند، کانادا، ژاپن، فنلاند، سنگاپور و استونی از کشورهای گروه یک برگزیده شدند که طی سال‌های مذکور قابلیت برآورد آماری را داشتند.

#### ۵- معرفی مدل

برای برآورد مدل مطلوب از روش علی-تحلیلی استفاده شده است و از ادغام مدل‌های تالپس و همکاران (۲۰۰۸)، بارو (۱۹۸۹) و گریل (۱۹۹۱) مدل مورد استفاده در تحقیق برآورد گردیده است. مدل تالپس و همکاران (۲۰۰۸) برای سنوات ۲۰۰۳-۲۰۰۶ تخمین زده شده است، که در آن بودجه را تابعی از درجه آزادی اقتصادی با استفاده از داده‌های ۵۶ کشور بصورت مختلط در نظر می‌گیرد و بوسیله روش پنل دیتا مدل ذیل را معرفی می‌کند. لازم به ذکر است این تحقیق جزو معدود پژوهشهایی است که بین بودجه و درجه آزادی اقتصادی ارتباط (مثبت) برقرار می‌کند. در این مدل  $bude$  تفاضل کل درآمدها از هزینه‌های دولت و  $frdf$  درجه آزادی اقتصادی بر اساس رتبه بندی موسسه فریزر میباشد:

$$ut + bude = c + a ( frdf )$$

بارو (۱۹۸۹) برای دو دوره ۱۹۱۳-۱۷۰۶ و ۱۹۱۸-۱۷۰۶ از روش OLS برای بریتانیا مدلی را که در آن نسبت کسری بودجه دولت  $[Bt - Bt-1]/(GDP)$  را به انباشت بدهی  $(Bt-1 / GDP)$  و نسبت هزینه‌های موقتی دولت  $(G/GDP)$  ارتباط میدهد در این مدل ارتباط مثبت بین کسری بودجه، انباشت بدهی‌ها و نسبت هزینه‌های موقتی دولت تایید میگردد.

$$( Bt - Bt-1 / GDPt ) = C + b0(Bt-1 / GDPt) + b1(Gt / GDPt) + Ut$$

همچنین گریل (۱۹۹۱) نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی را تابعی از نسبت پرداخت‌های دولت عنوان می‌کند. لذا در این پژوهش با استعانت از مبانی نظری تحقیق و از ادغام مدل

های فوق رابطه بین درجه آزادی اقتصادی  $frd$  پرداختهای دولت  $gc$  و کسری بودجه  $bud$ ، به ترتیب به شکل تابع و بصورت جبری زیر معرفی می گردد:

$$bud = F ( frd , gc )$$

$$bud = a + b ( frd ) + c ( gc ) + ut$$

که در آن  $bud$  معرف نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی (برحسب دلار) و  $frd$  معرف درجه آزادی اقتصادی (توسط بنیاد هریتیج) و  $gc$  نسبت کل هزینه های دولت به تولید ناخالص داخلی (بر حسب دلار) در بازه ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۹ است.

بدلیل آن که درجه آزادی اقتصادی یعنی  $frd$  از زیر فصل های متنوعی در حوزه های اقتصادی (و بعضاً غیراقتصادی) مانند: ۱- رشد مخارج دولت، ۲- درآمدهای مالیاتی و آزادی مالی، ۳- بار مالی و انضباط اقتصادی دولت، ۴- پول سالم و آزادی پولی، ۵- آزادی کسب و کار و مبادله، ۶- آزادی تجارت، ۷- آزادی سرمایه گذاری، ۸- حقوق مالکیت، ۹- آزادی نیروی کار ۱۰- کاهش فساد اقتصادی تشکیل شده است. لذا ورود هر کدام از متغیرها ویا زیر فصلهای درجه آزادی اقتصادی که بیش از ۵۰ متغیر است، مدل مذکور را دچار همخطی کرده، از کارآمدی خارج میکند. به عبارت دیگر درجه آزادی اقتصادی برآیندی از بیش از ۵۰ متغیر است و لذا بعنوان متغیر مستقل کاملی محسوب گردد. همچنین متغیر  $gc$  (نسبت کل پرداختهای دولت به تولید ناخالص داخلی) به عنوان اثرگذارترین متغیر، در تولید کسری بودجه با استناد به مبانی تئوریک و پیشینه تحقیق لحاظ گردید. به این ترتیب، مدل فوق برای ۱۰ کشور با پایینترین و ۱۲ کشور با بالاترین درجه آزادی اقتصادی برآورد گردید.

#### ۶- روش برآزش و ترکیب داده های سری زمانی و مقطع زمانی

برای برآزش مدل مربوط به ۱۰ کشور در گروه نآزاد، طی سال های (۲۰۱۵ - ۲۰۰۲) و به لحاظ متدلوژی اقتصادسنجی از روش داده گسترده یا تلفیقی استفاده شد، محدودیت های روش حداقل مربعات معمولی (OLS)<sup>۴۳</sup> در خصوص سری زمانی و مدل های مقطع زمانی سبب می شود که از این روش برای تخمین داده های سری زمانی<sup>۴۴</sup> و مقطع زمانی<sup>۴۵</sup>، انجام شود. لذا برای این منظور از روش داده های تلفیقی استفاده شده است، مزایای روش مذکور عبارت است از:

الف- تعداد مشاهدات در این روش بسیار بیشتر از دو روش سری زمانی و داده های مقطعی است. لذا باعث اعتماد بیشتر برآوردها می گردد. ب- به محققان اجازه می دهد مدل های پیشرفته تری را تبیین نمایند که فرضیه های مقید کننده کمتری داشته باشد. پ- ازدیاد داده ها مسئله هم

خطی در اقتصاد سنجی را تا حد زیادی حل می کند چون داده ها در طول زمان و هم در میان مقاطع، تغییری کند و لذا احتمال کمتری می رود تا متغیرهای ناهمگن، هم خطی داشته باشند. ج- بوسیله این روش می توان اثراتی را شناسایی و اندازه گیری کرد که در داده های مقطعی یا سری زمانی خالص قابل شناسایی نیست. د- با استفاده از این روش، تورش برآورد کم شده یا از بین می رود.<sup>۴۶</sup>

مدل های (داده های تلقیقی یا گسترده) اگرچه مزایای زیادی دارد اما بدلیل ادغام داده های مقطع زمانی و سری زمانی بصورت همزمان، مشکلات عمومی مدل های مذکور را توأمان دارد به طور مثال چون مشکلات مربوط به خود همبستگی مربوط به داده های سری زمانی و ناهمسانی واریانس مشکل خاص داده های مقطعی است، هنگامی که سری زمانی مورد نظر طولانی و واحدهای مقطعی محدود باشد باید به وجود مشکل خودهمبستگی توجه ویژه کرد و در شرایطی که سری زمانی مورد نظر محدود و واحدهای مقطعی متنوع و زیاد باشد احتمال بیشتری در وجود ناهمسانی واریانس بین گروه ها وجود دارد. از این جهت حل مشکلات مدل های پنل فنی تر و تکنیکی تر است، که بطور خلاصه به آن می پردازیم:

الف- وقتی داده ها همگن است.

در این حالت شیب ها و عرض از مبدأ های معادلات برهم منطبق است  $(a_i = a)$  ۴۷ و در مدل مورد استفاده، گویی داده ها به شکل سری زمانی برهم رگرسیون زده میشود و تمام ضرایب زاویه و عرض از مبدأها ثابت است.

ب- وقتی متغیرهای مستقل، با اجزاء اختلال همبسته باشد.

در این حالت قطر ماتریس واریانس- کواریانس، ۴۸ یک است. لذا رویکرد اثر ثابت فرض می گیرد که  $E_{it}$ ، یک جمله غیر تصادفی ولی ثابت برای هر مقطع است. یعنی هر ضریب، عرض از مبدأ متفاوت دارد  $(a_{it} = a_i)$ .

پ- وقتی متغیرهای مستقل با اجزاء اختلال همبسته نباشند.

در این حالت ماتریس واریانس- کواریانس غیر واحد است و  $E_{it}$  یک جمله تصادفی برای هر گروه است. ۴۹ اما برای هر دوره زمانی، از توزیع تصادفی  $E_{it}$  ها برای یک رخداد و بطور یکسان در هر دوره، در مدل رگرسیونی وارد می شود، که خود تابع توزیع احتمال و توزیع آماری دارد. یعنی  $E_{it} = M + \epsilon_{it}$  میشود. (این مسئله بدلیل ماهیت تلفیق داده های سری زمانی و مقطع زمانی رخ می دهد) مدل اصلی پنل دیتا از سه روش قابل برآورد است که هر کدام فرضیات مربوط به خود را دارد. از آنجا که نمی توان قبل از تخمین مدل، پیش داوری کرد، لذا آزمون هایی وجود دارد که می

تواند نوع مدل را قبل از برآورد قطعی، مشخص نماید. برای این منظور دو آزمون پیشنهاد شده است ۱- آزمون  $F_{2,5}$  - آزمون هاسمن<sup>۵۱</sup>.

## ۷- نتایج آزمون ها

همانطور که ذکر گردید فرم جبری دومعادله بشکل روبه زیر میباشد:

$$bud = a + b.frd + c.gc + ut$$

این مدل برای هر دو گروه کشورهای در نظر گرفته شده است که برای برآزش صحیح، آزمونهای مختلفی انجام شده است که بشرح زیر می باشد:

الف - بطوری که ذکر گردید آماره  $F$  محاسباتی برای آزمون برابری عرض از مبدا ها استفاده میگردد. با توجه به جدول زیر مقادیر آماره  $F$  محاسباتی در سطح

از  $F$  جدول (یعنی  $2/4$  برای گروه ۱ و  $2/7$  برای گروه ۲) بزرگتر است لذا میبایست عرض از مبدا های مختلفی برآورد شود.

جدول ۱- آزمون برابری عرض از مبداها (آزمون  $F$ )

گروه کشورها	آماره $F$ محاسباتی
کشورهای با درجه آزادی اقتصادی پایین	۱۳
کشورهای با درجه آزادی اقتصادی بالا	۱۳۷

ماخذ: یافته‌های پژوهشگر

ب- به منظور انتخاب اثرات ثابت و یا تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می کنیم. اگر آماره کای دو محاسباتی در سطح  $\alpha = 0.05$  کوچکتر از آماره کای دو جدول یعنی (۶) باشد، اثرات ثابت ناسازگار و اثرات تصادفی را انتخاب می کنیم.

جدول ۲- آزمون انتخاب اثرات ثابت و یا تصادفی (آزمون هاسمن)

گروه کشورها	آماره $X^2$ محاسباتی
کشورهای با درجه آزادی اقتصادی پایین	۴/۲۴
کشورهای با درجه آزادی اقتصادی بالا	۲/۹۷

ماخذ: یافته‌های پژوهشگر

پ- برای آزمون مربوط به ریشه واحد از روش ایم. پسران. شین در هر دو گروه کشورها و برای تک تک متغیرها استفاده گردید که نتایج در ضمیمه آمده است. در همین راستا از آزمونهای مربوط به هم انباشتگی ۵۲ از روش فیشر ۵۳ که جامع تر از روشها و آزمونهای دیگر است استفاده شده نتایج با توجه به جدول ذیل در سطح معنی داری  $\alpha = 0.05$  حاکی از مانایی متغیرهای مذکور در طول زمان است.

جدول ۳- آزمون هم انباشتگی (آزمون Fisher)

گروه کشورها	نتایج آزمون
کشورهای با درجه آزادی اقتصادی پایین	۷۶/۱
کشورهای با درجه آزادی اقتصادی بالا	۱۷۳/۳

ماخذ: یافته‌های پژوهشگر

ج- آزمون برابری میانگین بر حسب توزیع احتمال  $T, F$  برای معنی دار بودن نسبت کسری بودجه در ۲ گروه کشورها در سطح نیز مورد استفاده قرار گرفت که بشرح ذیل در جدول نشان داده شده است (نتایج آزمون در ضمیمه آمده است)

$Mean\ bud1 = 9.26 < Mean\ bud2 = 11.0$

جدول ۴- آزمون برابری میانگین ها

گروه کشورها	میانگین کسری بودجه
کشورهای با درجه آزادی اقتصادی بالا	۹/۲۶
کشورهای با درجه آزادی اقتصادی پایین	۱۱/۰۱

ماخذ: یافته‌های پژوهشگر

د- آزمون برابری ضرایب که به آزمون والد مشهور است در فرضیه  $H_0$  برابری ضریب درجه آزادی اقتصادی را در دو گروه مد نظر قرار می دهد و فرضیه  $H_1$  مبنی بر عدم برابری ضرایب کسری بودجه در دو گروه کشورها به لحاظ آزادی اقتصادی می باشد. که از طریق توزیع احتمال  $F$  و  $X^2$  قابل انجام است. همانطور که در جدول زیر آمده است فرضیه  $H_0$  در سطح احتمال ۰/۹۵ رد شده و فرضیه  $H_1$  مبنی بر عدم برابری ضرایب درجه آزادی اقتصادی با توجه به آزمون والد و توزیع احتمال  $F$  و  $X^2$  در دو گروه تایید می گردد که نشانگر اختلاف پروسه عملکرد آزادی اقتصادی در نسبت کسری بودجه دو گروه است. در جدول ۵-۴ نتایج آزمون آورده شده است.

جدول ۵- آزمون تفاوت ضرایب (wald)

گروه کشورها	Prob	Prob
کشورهای با درجه آزادی اقتصادی بالا	F	X2
کشورهای با درجه آزادی اقتصادی پایین	۰/۰۱۷۱	۰/۰۱۶۰

ماخذ: یافته‌های پژوهشگر

۸- برآورد نهایی مدل

در نهایت ۲ مدل برای کشورهای حدی با بالاترین و پایین ترین درجه آزادی و اقتصادی، از روش پنل دیتا برآورد گردید. مدل ۱ مربوط به کشورهای با درجه بالای آزادی اقتصادی شامل چایل بحرین دانمارک استرالیا هلند اطریش نیوزلند کانادا ژاپن فنلاند سنگاپور و استونی است و همانطور ذکر گردید، پس از تخمین ضرایب و انجام آزمون F و هاسمن و آزمون های مربوط به مانایی داده ها شامل آزمون ریشه واحد از روش ایم پسران شین و نیز آزمون هم جمعی از روش فیشر، مدل Random Effect برگزیده شد:

$$F_{0.05} = 137, F = 2.4$$

$$\text{bud1} = 8.44 - 0.102 \text{ frd1} + 0.309 \text{ g1}$$

2.005                      - 7.18                      2.24

$$R^2 = \%40$$

$$\text{Prob (Hausman Test)} = 0.22$$

$$\text{Test Of Utility For Co integration} = \text{Fisher Test}$$

همچنین به روش مشابه برای کشورهای با درجه آزادی پایین شامل اوکراین بلاروس بوسنی و هرزگووین قزاقستان ایران جمهوری کنگو بلغارستان تونس اتیوپی و مغولستان از مدل Random Effect به شکل ذیل ، برآورد گردید:

$$F_{0.05} = 13.0, F = 2.71$$

$$\text{bud2} = 5.6 - 0.213 \text{ frd2} + 0.618 \text{ g2}$$

14.39                      5.45                      -2.25



R2 = %68.5  
 Prob (Hausman test) = 0.12  
 Test Of Utility For Co integration = Fisher Test

آزمون برابری میانگین برای معنی دار بودن نسبت کسری بودجه در ۲ گروه کشورها در سطح نیز مورد استفاده قرار گرفت. همانطور که مشاهده می‌گردد میانگین کسری بودجه در کشورهای گروه ۱ با درجه آزادی بالا، کمتر از میانگین کسری بودجه در کشورهای گروه ۲ می‌باشد و بین ضرایب به دست آمده تفاوت معنی دار وجود دارد.

Mean bud1 = 9.26  
 Mean bud2 = 11.01

Prob (T Test)= 0.033  
 Prob (Satterth-waite)= We (Ch- T-Test)= 0.031  
 Anova (F-Test)= 0.033  
 We (Ch -F-Test)= 0.031

به این ترتیب فرضیه های اصلی تحقیق مبنی بر ۱- ارتباط معنی دار و معکوس بین آزادی اقتصادی و کسری بودجه و ۲- بیشتر بودن نسبت کسری بودجه در کشورهای ناآزاد اقتصادی نسبت به کشورهای آزاد اقتصادی، بصورت موفق، پس از آزمونهای مرتبط تایید گردید و نیز پیرو مباحث مطروحه شاخص آزادی اقتصادی محاسباتی در بنیاد هریتیج از اعتبار بیشتری نسبت به شاخص های مشابه برخوردار می‌باشد.

## ۹- نتایج

مدل Panel Data برآزش شده در دو گروه کشورها پس از آزمونهای ( , Unit Root , Stationary , Hausman-Test-F-Test, H.m-Pesaran-Test) موفقیت آمیز بوده، ضرایب بدست آمده معنی دار می‌باشند و فرضیه ۱ مبنی بر رابطه معنی دار و معکوس بین درجه آزادی اقتصادی و کسری بودجه و فرضیه ۲ پژوهش که یعنی این ادعا که کسری بودجه در کشورهای آزاد اقتصادی کمتر کسری بودجه در کشورهای ناآزاد اقتصادی است تایید می‌گردد..

آزمون برابری میانگینهای نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص ملی در دو گروه ( Equality Of Means) نیز دارای ضرایب با معنی است.

آزمون مقایسه ضرایب (Wald) مبین تفاوت ضرایب در درجه آزادی اقتصادی است به این مفهوم که میانگین کسری بودجه نسبت به تولید ناخالص داخلی در کشورهای آزاد اقتصادی کمتر از کشورهای ناآزاد می باشد.

## ۱۰- تفسیر نتایج

۱- در مدل ۱ و ۲ فرضیه رابطه معکوس بین درجه آزادی اقتصادی و درصد کسری بودجه (نسبت به GDP) تأیید می گردد بنابراین با افزایش درجه آزادی اقتصادی، کسری بودجه در هر دو گروه کاهش مییابد که این نتیجه با توجه به مبانی تئوریک دور از انتظار نبود.

۲- در توجیه ضرایب دو مدل می توان اظهار کرد که چون کشورهای با درجه آزادی اقتصادی پایین تر عمدتاً کشورهایی کمتر توسعه یافته هستند لذا با افزایش درجه آزادی اقتصادی ظرفیت های بیشتری برای کاهش کسری بودجه پیدا می کنند. این کشورها در ابتدای مسیر آزاد سازی هستند و مثل این است که شکاف بین نمره ۱۰ تا ۲۰ را طی میکنند در حالی که کشورهای گروه ۱ شکاف بین نمره ۱۵ تا ۲۰ را طی میکنند لذا اثرات بیشتر آزادسازی اقتصادی در کشورهای گروه ۲ ظاهر می گردد. اکثریت کشورهای گروه ۲ هنوز به سطح قابل قبولی از خصوصی سازی و اصلاح نظام مالیاتی نرسیده اند و بدلیل آن که در اولین مرحله از آزادسازی اقتصادی، تأکید بر دو عنصر یادشده می نماید لذا در مراحل نخست خصوصی سازی، و اصلاح نظام مالیاتی، شدت کاهش کسری بودجه، بیشتر از شدت کاهش کسری بودجه در مراحل بعدی است و لذا نرخ رشد کاهش کسری بودجه در این کشورها نسبت به کشورهای با اقتصاد باز ( که قبلاً این مراحل را گذرانده اند و عمدتاً پیشرفته هستند)، بیشتر است.

۳- در مدل ۱ (برای کشورهایی که آزادی اقتصادی بالا دارند) ضریب  $g$ ، 0.309 است و در مدل ۲ (برای کشورهایی که آزادی اقتصادی پایینی دارند) ضریب  $g$ ، 0.618 است به عبارت دیگر با افزایش یک درصد از نسبت مخارج دولت برای کشورهای گروه ۲ میزان بیشتری از کسری بودجه نسبت به کشورهای گروه ۱ ایجاد میشود. از آنجا که کاهش در اندازه دولت جزو اصلی ترین اهداف آزادسازی اقتصاد است و چون کشورهای گروه ۱ قبلاً این مسیر را پیموده اند و پایه های قوی تر اقتصادی را دارا هستند با افزایش هزینه ها، شدت افزایش کسری بودجه نسبت به کشورهای گروه ۲ کمتر بوده جای انبساط بیشتر در کسری بودجه را ندارند.

۴- با مقایسه میانگین دو گروه دقیقاً این نتیجه حاصل می گردد که نسبت کسری بودجه کشورهای با درجه آزادی کمتر بیش از نسبت مربوطه در کشورهای آزاد اقتصادی است. از سوی دیگر برای معنی دار بودن آماری این تفاوت، از آزمون برابری میانگین ها استفاده گردیده که نتیجه در سطح مبنی بر تأیید معنی دار بودن تفاوت در کسری بودجه دو گروه است، به این مفهوم که نسبت کسری بودجه در کشورهای گروه II بیش از نسبت کسری بودجه در گروه I می باشد.

$Mean(bud2) > Mean(bud1)$

(۳.۹) (۱۱،۰)

۵- بوسیله آزمون والد تفاوت ضرایب در دو گروه کشورها تایید شد به این مفهوم که دو گروه کشورها از لحاظ تاثیر آزادی اقتصادی بر کسر بودجه متفاوت هستند و با افزایش یک درجه آزادی اقتصادی نسبت کسری بودجه در کشورهای نآزاد اقتصادی نسبت به کشورهای آزاد بیشتر کاهش مییابد که به دلیل ظرفیت های خالی بیشتر اقتصادی در این کشورها است.

#### ۱۱- پیشنهادات

در رابطه با نتایج بدست آمده پیشنهادات ذیل مطرح می گردد:

- ۱) بدلیل شدت بیشتر اثرگذاری آزادی اقتصادی در کشورهای گروه نآزاد II (نسبت به گروه I یعنی آزاد) به نظر می رسد کشورهای این گروه می بایست با سرعت بیشتری اقدام به آزادسازی اقتصادی ( توأم با دقت و نظارت و کارآمدی) نموده و به عنوان نخستین گام، اقدام به کوچک سازی دولت و اصلاح نظام مالیاتی نمایند.
- ۲) بدلیل آن که توسعه آزادی اقتصادی تأثیر به سزایی در کاهش کسری بودجه برجای می نهد لذا پیشنهاد می گردد کشورهای گروه I و II در جهت افزایش آزادی های اقتصادی تلاش مضاعف نمایند. از آنجا که اثر انبساط هزینه های دولت در افزایش کسری بودجه کشورهای گروه ۲ بیش از گروه ۱ است لذا پیشنهاد می گردد کشورهای گروه ۲ در جریان آزادسازی و خصوصی سازی روند رو به رشد باشیب صعودی را در پیش گیرند و در میان راه به عقب بازگشت نکنند چرا که در این صورت با شدت بیشتری کسری بودجه این کشورها تشدید می گردد.
- ۳) ۳- با توجه به نتایج برآزش مدل در دو گروه، پیشنهاد می گردد خصوصاً کشورهای گروه ۲ که ایران هم جزو آنها است (و سهم نفت از بودجه را که در حال حاضر (۱۳۹۵)، ۲۵ درصد است) تا حد امکان به عنوان اولین قدم، اندازه دولت را کاهش دهند.

### فهرست منابع

- ۱) استیگلیتز، جوزف و میر، جerald، پیشگامان اقتصاد توسعه، (آینده در چشم‌انداز)، ترجمه دکتر غلامرضا آزاد (ارمکی)، چاپ دوم ۱۳۸۴. نشر نی
- ۲) ده استاد، تاریخ اندیشه‌ها و عقاید اقتصادی، ترجمه دکتر هادی صمدی، چاپ اول، ۱۳۷۴، موسسه تحقیقات اقتصادی
- ۳) فریدمن، میلتن و رز، آزادی انتخاب، ترجمه حسین حکیم‌زاده جهرمی. تهران چاپ اول، ۱۳۶۷- نشر پارسی، چاپ فاروس
- ۴) نورث، داگلاس، ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، ۱۳۷۹، تهران، نشر نی
- 5) Adam smith ,An Inquiry Into The Nature & Causes of the “Wealth Of Nations”, A Penn State Electronic Classics Series Publication, 2005 – The Pennsylvania University.
- 6) Alesina, Alberto, and Perotti, Roberto, March, 1995, Political Economy Of Budget Deficits International Monetary Fund, Staff, Papers – International Monetary, Washington, Vol 42, IISS, 1
- 7) Alesina, Alberto, and Perotti, Roberto, 1998, Budget Deficit & Budget Institutions, given of: www. Translate.Google.com
- 8) Bastia. Fredric, 1850, That which is Seen & That which is not Seen, French
- 9) Barro Robert, , On The Determination Of Public Debt. Journal Of Political Economy (1989)
- 10) Bhagwati, Jagdish & Desai, Padma, (1970), Planning For India’s Industrialization, Oxford University Press
- 11) Barro, Robert-2000-Ricardian Approach To Budget Deficit, Journal Of Political Economy, Vol. 84
- 12) Barro, R. 1987. Journal Of Monetary Economics, 20
- 13) Campbell Colin, Canadian Tax Journal, Revue Fiscal Canadian (2002) Vol, 50, No6, “Budget Surplus, Democratic Deficit”.
- 14) Friedman Milton “Free To Choose”, A Personal Statement, Hearst Corporation, New York, 1979,
- 15) Fredric Bastiats. “Economic Sophisms”, The Fun Ration For Economic Education, INC 1996. 18-Hayek, Fredric, (2000) “The Road Of Serfdom” Edition Of Reader Digest, The Institute Of Economic, British Library
- 16) Keefer. P- Knack. S-Olson. M. (1996) Property and Contract Rights In Autocracies and Democracies, Journal Of Economic Growth 1:243-76.
- 17) Kirchgassner ,G, 2003 . The Effect Of Fiscal Institution On Public Finance , CESifo Working Papers 617
- 18) Ostrom, Elinor and T .K . Ahn, Foundation Of Social Capital , Hard Cover
- 19) Lipset, Seymour. M. (1959) “Some Social Requisites Of Democracy, Economic Development and Political Legitimacy, American. Science Review 53. (69-105)

- 20) Merino, Rafael,(2005),Interview With The National Union Of Rail, Maritime, Transport Workers (RMT). Bristol Rail Branch (0224), Bristol, England, December
- 21) Mill. J. S,(1963),About The Freedom, , The Collection Works of John Stuart Mill, University of Toronto Press.
- 22) Norbert Michel, “Budget Deficit Very Between Freedom Economic” Capitalism Magazine, Summer (2004).
- 23) Ouchi,W.G,1980,,Markets, Bureaucracies, and Chains, Administrative Science Quarterly 25:129-41.
- 24) Remmer .K. L. (1996) “The Sustainability Of Political Democracy Lessons For South America” Comparative Political Studies. 291. 11-34.
- 25) Romer David,(1996), “Advance Macro Economics”Mc.GrowHill .Chapter11
- 26) Sachs, J. and S. Roubini.N. (1989) Government Spending and Budget Deficit In The Industrialized Countries, Economic Policy 8: 99-10.Cortes
- 27) Schugurenky. Daniel, April 29, 2004,Participatory Budget, ATool For Democratizing Democracy. Talk Given at The Meeting “Some Assembly Required” Case Of Canada and Abroad, Toronto Metro Hall:
- 28) Surjit ,S, Bhalla , April 2000, The Road To Economic Freedom, India , New Delhi
- 29) Shi, Min &Svenssoon.Jakob,“Political Budget Cycles In Developed and Developing Countries”.(2002)
- 30) Talpos Ioan, BogdanDima, Mihai Mutascu, CosminEnache , An Empirical Analyses Of The Budget Deficit,Thepolitical and Applied Economics, REL Classification: 13 F. 10B, 8 K . 2008
- 31) TalposIoan; Freedom Political and Deficit Budget In The World (2009) . Given Of google.Com
- 32) Tabellini, Guido and Alesina (1990), Voting On The Budget Deficit, The American Economic Review, Vol 80, No1, PP 37-49.
- 33) world bank (2000-2016)

#### یادداشت‌ها

1. Heritage Foundation
2. Panel Data
4. Natural law
5. John Stuart Mill
6. Fredric Bastia
7. Hayek
8. Milton Friedman
9. Rent
10. Douglass – North
11. Paul. R. Milgrom
12. T.W. Guinnane
13. Avener Greif
14. Ouchi

<sup>۳</sup> شامل مال لیبیت شخصی، فردیت، ابتکار، کنترل شخصی و مسئولیت و اصالت فرد می‌باشد.

15. Amartia Komar Sen
16. Seymour Lipset
17. Bhagwati
18. Remmer .K. L
19. Romer David
20. Persson, Thorsten
21. Strategic Debt Accumulation
22. Tabellini, Guido and Alesina
23. Sachs, J. and S. Roubini. N
24. Masciandaro, D & Grilli, V & Tabellini, G
25. Barro Robert
26. Keefer. P- Knack. S-Olson. M
27. Kirchgassner.G
28. Alesina, Alberto and Perotti Roberto
29. North michel
30. Cortes, Merino, Rafael
31. Ostrom ,Elinor and T .K . Ahn
32. Fubbs Joan
33. Schugurenky. Daniel
34. Shi, Min & Svensson. Jakob
35. Dynamic Panel
36. Campbell Colin
37. Talpos Ioan, Bogdan Dima, Mihai Mutascu,
38. Talpos Ioan
39. Tax Revenue
40. Expenditure of Government
41. Economic Freedom Of The World
42. Index Of Economic Freedom
43. Ordinary Least Square
44. Time Series
45. Cross Section
46. Matyas , Laszlo And Patrick Sevestre

-31

۲۷. در ان حالت عرض از ممدأ و ششب ه اا مم المات مشترك مي شود و لذا مي توان از مدل Pool ببي Common لمسفاده ننود.

48. Variance- Covariance Matrix
49. Random Effect
50. F-Test
51. Hausman- Test
52. Cointegration
53. Fisher Test

